

ویژه نامه بودجه ۱۴۰۰

● دخل و خرج دولت در خانه ملت

● در مسیر شفافیت

● شرحی بر بیماری مزمن کسری بودجه

● چالش مناطق آزاد

● سدشکن امن در برابر امواج تورم

● کارگران مشغول کارند!



مستغله

نشریه دانشجویی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی
سال سوم، شماره دهم، فروردین ماه ۱۴۰۰



برای مشاهده صفحات انجمن بر روی
نمادها کلیک کنید.



@mostaghelatu

شناسنامه

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول:

عرفان سعادت‌فر

سر دبیر:

مجتبی شهرابی

دستیار سردبیر:

مهشاد عسگریان

هیئت تحریریه:

علی چمن‌آرا، هانیه سلحشور، مجتبی شهرابی،
جعفر صارمی، نرگس محمدی دوست،
سیدحسین هژبری

ویراستاران:

محمد مهدی بهرامی، هانیه سلحشور

طراح جلد:

بهار سادات شیخ‌الاسلامی

صفحه‌آرا:

سحر معصوم‌زاده



فهرست

■	۳.....	دخل و خرج دولت در خانه ملت
■ ■	۵.....	در مسیر شفافیت
■ ■ ■	۷.....	شرحی بر بیماری مزمن کسری بودجه
■ ■ ■ ■	۹.....	چالش مناطق آزاد
■ ■ ■ ■ ■	۱۱.....	سدشکن امن در برابر امواج تورم
■ ■ ■ ■ ■ ■	۱۳.....	کارگران مشغول کارند!
■ ■ ■ ■ ■ ■ ■	۱۵.....	کلام امام

دخل و خرج دولت در خانه ملت

بررسی کلی ساختار بودجه

سیدحسین هژبری | ورودی ۹۹

عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

به صورت خلاصه، بودجه باید نشان‌دهنده همه دخل و خرج دولت باشد؛ یعنی باید همه درآمدها و هزینه‌های دولت درسند بودجه جمع شده باشد. در واقع در فرایند تصویب بودجه، دولت از مجلس اجازه می‌گیرد که چه درآمدهایی داشته باشد و آن درآمدها را در چه جاهایی خرج کند. این موضوع که اجازه کسب درآمد و خرج کردن باید هر سال در قانون بودجه به تصویب مجلس برسد، نقش اساسی مجلس را در مقابل دولت نشان می‌دهد و اساساً یکی از کارهای اصلی مجلس تصویب بودجه و نظارت بر نحوه اجرای بودجه است. با توجه به نکات بالا، یک اصل بدیهی آن است که نباید دولت هیچ خرجی خارج از بودجه داشته باشد.

۱. بخش‌های بودجه

به طور کلی بودجه دو قسمت دارد:

۱. بودجه عمومی (بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی):

این بودجه شامل منابع دولت و مصارف دولت است.

۲. بودجه شرکت‌های دولتی:

بخش دیگری از بودجه که در قالب پیوست شماره ۳ به مجلس تقدیم می‌شود، بودجه شرکت‌های دولتی است. چند نکته در رابطه با بررسی بودجه شرکت‌های دولتی:

الف) عموماً مجلس وقت زیادی برای بررسی این بخش از بودجه نمی‌گذارد. این امر در کنار بزرگ بودن عدد بودجه شرکت‌ها (در مقایسه با بودجه عمومی) موجب نگرانی نمایندگان مجلس شده است.

ب) جنس بودجه شرکت‌ها با بودجه دستگاه‌ها کاملاً متفاوت است. بودجه دستگاه‌های دولتی، اعتباری است که از خزانه دریافت می‌کنند و صرف امور جاری خود می‌نمایند؛ اما بودجه شرکت‌ها از جنس گردش مالی شرکت است.

ج) نکات فوق به این معنا نیست که مجلس بر بودجه شرکت‌ها نباید نظارتی داشته باشد.

کتابچه‌های بودجه

معمولاً بودجه سالیانه در قالب چند کتابچه تهیه می‌شود. این کتابچه‌ها عبارتند از: ماده واحده و جداول کلان. در این کتابچه، ماده واحده و تبصره‌های بودجه، جداول کلان و اصلی بودجه، جدول تفصیلی درآمدهای دولت، جدول بودجه هر دستگاه، جدول بودجه استان‌ها، ردیف‌های متفرقه و... ارائه می‌شود. همچنین لایحه بودجه دارای ۴ پیوست است که به طور میانگین در ۳۰۰ صفحه تهیه می‌شود.

پیوست‌ها:

پیوست ۱: لیست طرح‌های عمرانی ملی

پیوست ۲: جزئیات درآمدهای دولت به تفکیک نوع و دستگاه وصول‌کننده

پیوست ۳: بودجه شرکت‌ها و بانک‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت

پیوست ۴: اعتبارات دستگاه‌ها بر حسب برنامه و فعالیت؛ این پیوست که به منظور اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد تهیه شده است، در آن مشخص شده که هر دستگاهی برای چه خروجی قرار است بودجه بگیرد.

تبصره‌ها:

گفته شد که در ماده واحد، تبصره‌های بودجه قرار داده می‌شود. عمده وقت مجلس نیز به بررسی و تصویب تبصره‌ها اختصاص پیدا می‌کند. برخی تبصره‌ها اهمیت بیشتری دارند، از جمله:

تبصره ۱: به نحوه تقسیم منابع مربوط به صادرات نفت و گاز و میعانات گازی می‌پردازد.

تبصره ۲: به نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی پرداخته می‌شود.

تبصره ۴: معمولاً اجازه برداشت از صندوق توسعه ملی در این تبصره مطرح می‌شود.

تبصره ۱۲: معمولاً در این تبصره، تصمیم دولت برای نحوه افزایش حقوق در سال آینده مشخص می‌شود.

تبصره ۱۴: به موضوع هدفمندی یارانه‌ها می‌پردازد.

۲. شفافیت بودجه:

در این جا به سه محور از مواردی که منجر به عدم شفافیت بودجه می‌گردند بسنده می‌شود:

الف) بودجه‌های خارج از بودجه:

هرساله برخی هزینه‌های دولت هرچند در میان تبصره‌ها قابل ردیابی هستند، اما در سقف بودجه و جداول مربوطه دیده نمی‌شود.

ب) وجود رقم «۱»:

یکی از رموز بودجه، وجود رقم ۱ در برخی ردیف‌هاست. در واقع برای برخی درآمدها و هزینه‌ها، دولت پیش‌بینی ارائه نداده و یک رقم ۱ درج می‌کند.

ج) تخصیص:

میزان تخصیص بودجه، طبیعتاً می‌تواند اختلاف قابل توجهی با ارقام مصوب بودجه داشته‌باشد. نکته مهم آن است که میزان و نحوه تخصیص ردیف‌ها در هنگام بررسی لایحه مشخص نیست.

۳. منابع واقعی یا غیرواقعی:

یکی از مباحثی که در سال‌های اخیر در رابطه با لایحه‌های بودجه مطرح شده، بحث میزان واقعی بودن منابع و متعاقب آن، میزان «کسری بودجه» است. ارقام غیرواقعی این امر عمدتاً در ۳ رکن زیر قابل تعقیب است:

الف) نفت ب) استقراض از صندوق توسعه ملی ج) اوراق پیش‌فروش نفت

۴. نقش مجلس:

به طور کلی لایحه بودجه در مجلس در ۳ مرحله بررسی می‌شود: کمیسیون‌های تخصصی، کمیسیون تلفیق و صحن علنی.

طبیعتاً مرحله اصلی بررسی لایحه بودجه در مجلس، در کمیسیون تلفیق است. در بررسی لایحه در کمیسیون تلفیق نیز ابتدا کلیات لایحه بررسی شده و در صورت تصویب کلیات، وارد جزئیات لایحه می‌شوند.

۵. اصلاح بودجه:

مشکل اصلی بودجه که شاید بتوان گفت آن را به ام‌الفساد اقتصاد کشور تبدیل کرده‌است، «کسری بودجه» است. لذا اگر مجلس قصد اصلاح بودجه را دارد، باید به کاهش کسری بودجه بپردازد. برای انجام آن دو راهکار وجود دارد که باید همزمان پیگیری شود: «کاهش هزینه‌ها» و به موازات آن «افزایش درآمدها»

نرگس محمدی دوست ورودی ۹۸

عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

در مسیر شفافیت

بررسی اقدامات صورت گرفته برای
شفافیت منابع مالیاتی بودجه ۱۴۰۰

بودجه، مهم ترین سند مالی کشور، در صورتی می تواند بالاترین کارایی را داشته باشد که دارای انضباط مالی باشد. منظور از انضباط مالی این است که درآمدها و مخارج کشور طی یک سال به هم تراز شوند.

برای تراز شدن بودجه لازم است هزینه ها را کاهش و یا درآمدها را افزایش دهیم. در بودجه ۱۴۰۰، اقداماتی برای افزایش درآمدها صورت گرفته که یکی از آنها، افزایش «درآمدهای عایدی از مالیات» است. یکی از نکات مثبت این کار، تمرکز نداشتن منابع دریافتی بر روی نفت است که همیشه به عنوان یکی از معضلات اقتصاد ایران محسوب می شود.

اما صرف دریافت مالیات کافی نیست و نهادهای مربوطه، باید نظارت درست و دقیقی بر این فرایند داشته باشند. اینجاست که از اصطلاحی با عنوان «شفافیت» یاد می کنیم.





چه چیزی باید شفاف شود؟

مهم‌ترین هدف از شفافیت بودجه این است که اطلاعات جزئی و دقیق‌تری از فرایند درآمدها و هزینه‌ها داشته باشیم. شفافیت همواره یکی از معیارهای اصلی بودجه‌نویسی و هرگونه برنامه مالی برای پویایی یک اقتصاد است. ما در بحث شفاف‌سازی بودجه، به دنبال شفاف‌کردن درآمدها و شفاف‌کردن هزینه‌ها هستیم. در بحث مالیات منظور از شفافیت، نظارت بر پرداختی همه مؤدیان مالیاتی است. همچنین در بودجه ۱۴۰۰، تدابیری اندیشیده شده تا کمترین میزان فرارهای مالیاتی را شاهد باشیم.

نمایندگان مجلس، تمام شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت را مکلف کردند در طول سال ۱۴۰۰، متناوباً و هر سه ماه یک بار نسبت به ثبت و به‌روزرسانی همه اطلاعات خود، شرکت‌ها و مؤسسات تابعه و وابسته اقدام کنند. همچنین وزارت امور اقتصاد و دارایی، مکلف است امکان دسترسی به اطلاعات سامانه مذکور را به صورت برخط برای سازمان‌های برنامه‌بودجه، اداری و استخدامی و دیوان محاسبات کشور فراهم کند.

معافیت مالیاتی؟ دیگر پس است!

امروزه شاهد عدم شفافیت در پرداخت مالیات در تعدادی از مشاغل پردرآمد هستیم. علی‌رغم اصلاح ساختار بودجه و توسعه پایه‌های مالیاتی بر مبنای اسناد بالادستی، اعم از برنامه ششم توسعه، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مدنظر مقام معظم رهبری و سایر قوانین مربوط به آن، طبق گفته مسئولان اقتصادی کشور و کارشناسان، بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان معافیت مالیاتی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور گسترده شده است. اگر این گروه‌ها، اقدام به پرداخت مالیات حقه خود کنند، می‌توانند منبع عظیمی از درآمد را روانه دولت کرده و در نهایت باعث کاهش ناترازی بودجه شوند. برای حل این مشکل، بایستی به افزایش تسلط و کنترل حاکمیت بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی پرداخت. سپس با حمایت از تشکیل و توانمندسازی جامعه مدنی و فعالیت‌های اتحادیه‌ای، به گروه‌های مختلف جامعه، حق ابراز وجود و پیگیری حقوق و مطالباتشان را داد تا عدالت اجتماعی تحقق یابد.

در نهایت اینکه هرچند تجربه‌های ناموفق در اصلاح ساختار بودجه بسیار بوده، اما می‌توان امید داشت امروزه که دولت درد تنگنای مالی را حس می‌کند، قدم‌های مؤثری در مسیر اصلاح ساختار بودجه بردارد. پایداری در این مسیر، یادگیری از خطاها و باز کردن یک‌به‌یک و باحوصله گره‌های کلاف بزرگ و درهم‌تنیده کسری بودجه، برای دستیابی به نتیجه مطلوب ضروری است.





شرحی بر بیماری مزمن کسری بودجه

ورودی ۹۸

هانیه سلحشور



دبیر فرهنگی انجمن مستقل در دانشکده

کسری بودجه

سالیان سال است که گریبان‌گیر اقتصاد ایران شده. در ایران به‌خاطر شرایط تورمی که بر اقتصاد حاکم است، همواره از «کسری بودجه» به عنوان یک شرایط مهلک و خطرناک یاد می‌شود؛ با این وجود نمی‌توان گفت که کسری بودجه یک عامل مطلقاً بد و زیان‌بار است. اگر کسری بودجه کنترل نشود یا صرفاً امری شود که رشد و توسعه کشور را به‌همراه ندارد، در این شرایط می‌تواند کشور را در یک موقعیت بحرانی قرار دهد. کسری بودجه موقت و اندک، خود یکی از سیاست‌های مالی دولت است، اما همان‌طور که اشاره شد دولت باید کنترل‌کننده آن باشد و آن را به سمت رشد متغیرهای اقتصادی هدایت کند.

اگر بخواهیم به آثار کسری بودجه مستمر که اقتصاد را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد اشاره کنیم، موارد زیر حائز اهمیت هستند:

۱. افزایش نرخ تورم:

ارتباط میان کسری بودجه و تورم، بستگی به تأمین کسری بودجه دارد. کشورها از لحاظ ارتباط بین کسری بودجه و افزایش نرخ تورم به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول کشورهایی هستند که با وجود کسری بودجه بالا، نرخ تورم پایینی دارند. مانند فرانسه، ایتالیا و انگلستان. دسته دوم کشورهایی هستند که با وجود مازاد بودجه، نرخ تورم حتی دورقمی را تجربه کرده‌اند، مانند مکزیک و شیلی. دسته سوم نیز بین نرخ تورم و کسری بودجه رابطه مستقیمی داشته‌اند. یعنی مثلاً زمانی که کسری بودجه بالایی داشته‌اند، تورم آنها نیز شدت یافته‌است؛ مانند رومانی و ترکیه.

ایران از کشورهای دسته سوم است. زیرا به دلیل تحریم‌ها و دشواری تأمین کسری بودجه از طریق استقراض خارجی، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده یا از بانک مرکزی استقراض کنند.

در نتیجه، چون استقراض و چاپ پول باعث افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌شود، تورم نیز افزایش می‌یابد.



۲. کاهش سرمایه‌گذاری:

اگر تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی انجام شود، در این صورت چون تقاضای دولت برای اعتبارات بانکی افزایش یافته، نرخ بهره بانکی نیز افزایش می‌یابد و به تبع آن دسترسی بخش خصوصی به این اعتبارات و تسهیلات بانکی کاهش می‌یابد و این کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در پی دارد.

سخن پایانی...

اشاره به مسائل بالا و

آثار کسری بودجه، به این معنی نیست

که آنها لاینحل هستند و دیگر امیدی نمی‌توان

داشت. زیرا ایران از لحاظ اقتصادی، کشور بسیار

با ظرفیتی است. همان‌طور که رهبر انقلاب اشاره

کردند ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی،

دسترسی به بازارهای گسترده و متنوع، دسترسی به منابع

طبیعی استفاده‌نشده، بهره‌مندی از منابع سرشار انرژی و ...

کشور ممتاز و ویژه‌ای است.

کسری بودجه یک اتفاق نوظهور نیست. برای اصلاح

ساختاری مسأله کسری بودجه، باید علاوه بر کاهش هزینه‌های

غیرضروری، افزایش یا برداشتن معافیت‌های مالیاتی بی‌مورد و

بریدن بندناف اقتصاد از فروش نفت خام، درآمدها را نیز بیشتر

صرف هزینه‌های عمرانی و زیرساخت‌ها کنیم؛ زیرا اختصاص

این درآمدها به هزینه‌های جاری مانند حقوق دستمزدها،

صرفاً به‌طور مقطعی به مسأله کسری بودجه می‌پردازد

و به‌طور ریشه‌ای آن را حل نمی‌کند.

لذا با عملی‌کردن توصیه کارشناسان و

بهره‌برداری از این ظرفیت‌های خدادادی،

می‌توان اقتصاد قوی داشت؛

ان شاء الله.

۳. افزایش تعداد طرح‌های عمرانی ناتمام:

از دیگر آفات کسری بودجه، نیمه‌کاره ماندن

طرح‌های عمرانی است. دولت به دلیل کسری

بودجه، تلاش می‌کند بودجه بخش‌های

عمرانی را کاهش دهد و این موجب

طولانی شدن روند ساخت‌وساز این

طرح‌هاست. این قضیه موجب افزایش

هزینه ساخت‌وساز، کاهش بهره‌بری،

اتلاف منابع و ... خواهد شد.

محمد متنگی شدن به منابع صندوق ارزی:

همان‌طور که در بالا اشاره شد، یکی

از راه‌هایی که دولت‌ها، به‌خصوص در

ایران، برای تأمین کسری بودجه در نظر

می‌گیرند، برداشت از صندوق ارزی است.

هرچه تأمین کسری بودجه برای دولت‌ها

راحت‌تر و بی‌دردتر باشد، کیفیت هزینه‌کرد

آن منبع، پایین‌تر خواهد بود.

علاوه بر آن، اگر منابع این صندوق برای پرداخت

بدهی‌های دولت و پرداخت حقوق استفاده شود و در جهت

ایجاد فعالیت‌های مولد اقتصادی نباشد، از اهداف این صندوق

نیز دور خواهیم شد؛ زیرا همان‌طور که در اساس‌نامه صندوق تأمین توسعه

ملی آمده از شرایط اعطای تسهیلات، ایجاد یک فعالیت مولد اقتصادی

است.

البته این موارد، تنها بخشی از آثار کسری بودجه مداوم بر اقتصاد کلان

کشور است.



اهداف تشکیل منطقه آزاد

تشکیل مناطق آزاد از جمله سیاست‌گذاری‌های رایج دنیا می‌باشد که هدف آن، محرومیت‌زدایی به وسیله‌ی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در عدم‌حضور قوانین دست‌وپاگیر بورکراسی درونی کشور است و همچنین محلی برای انتقال تکنولوژی و مکانی برای تسهیل در امر صادرات غیرنفتی تلقی می‌گردد.

در حیطه‌ی عمل، کارنامه‌ی سی ساله مناطق آزاد بسیار سیاه به نظر می‌رسد. بررسی‌ها و واکاوی‌های کارشناسان امر نشان داده‌است که نقش این مناطق در صادرات کشور تنها ۲ درصد بوده و از سوی دیگر، جذب سرمایه‌گذاری خارجی حدوداً به ۵ درصد رسیده و در ایجاد شغل کمتر از ۳ درصد بوده‌است! در زمینه قاچاق ارقام اسفناکی دیده می‌شود، به حدی که اگر این مناطق را «دروازه قاچاق ایران» بنامیم، بیراهه نیست.

دروازه قاچاق ایران

بر اساس اظهارات کارشناسان اقتصادی، رقم ورود قاچاق به کشور به عدد ۱۲,۵ میلیارد دلار می‌رسد. شوک برانگیزتر این است که ۹۰ درصد قاچاق کشور، یعنی حدود ۱۱,۵ میلیارد دلار، از مناطق آزاد عبور می‌کند. علت این حجم عظیم از قاچاق چیست؟

به طور معمول، مناطق آزاد در دنیا کمتر از هزار هکتار وسعت دارند و به منظور جلوگیری از قاچاق، به طور کامل محصور و فنس‌کشی می‌گردند، اما در ایران وسعت مناطق آزاد چند ده هزار هکتار می‌باشد و این رقم در ماکو به ۵۰۰ هزار هکتار می‌رسد. وسعت گسترده‌ی این مناطق سبب عدم فنس‌کشی کامل آن‌ها گردیده است و به

ورودی ۹۸

جعفر صارمی

دبیر سیاسی انجمن مستقل در دانشکده

چالش

مناطق آزاد



سال ۱۳۷۲، برای اولین بار سه منطقه آزاد در مناطق چابهار و جزایر کیش و قشم با هدف افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی در ایران به وجود آمدند. طولی نکشید که در سال ۱۳۸۲ سه منطقه اروند، ارس و انزلی و در سال ۱۳۸۹، منطقه ماکو به لیست مناطق آزاد کشور اضافه گردید. در حال حاضر ۸ منطقه آزاد و ۶۵ منطقه ویژه اقتصادی وجود دارد که تنها ۱۷ منطقه ویژه اقتصادی فعال محسوب می‌شوند.

تبع آن، شاهد عدم استقرار گیت‌های ورود و خروج منسجم و عدم نظارت کامل گمرک بر این مناطق هستیم. معافیت مالیاتی مستقیم، راه ورود به درون مرزهای کشور را راحت‌تر کرده و کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد مناطق آزاد می‌گردد، سپس از طریق قاچاق و یا به صورت قانونی توسط مسافریین تحت عنوان بار همراه مسافر، به سرزمین اصلی وارد می‌شود. بر اساس تخمین‌های زده شده، حدود ۶۰۰ میلیون دلار کالا از این روش قانونی بدون پرداخت مالیات و عوارض گمرکی وارد سرزمین اصلی می‌گردد. علل مذکور، سبب کاهش هزینه فرصت قاچاق در این مناطق گردیده است و جذابیت زیادی برای قاچاق از طرق قانونی و غیرقانونی فراهم آورده است.

فرار مالیاتی

طبق قانون رسمی کشور، با ثبت شرکت در مناطق آزاد، تا ۲۰ سال معافیت از مالیات به شرکت تعلق می‌گیرد. این قانون برای تسهیل و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و محرومیت‌زدایی در این مناطق مصوب گردیده است اما ایراد اصلی وارد شده بر آن، این است که محل فعالیت شرکت الزاماً نیاز نیست در منطقه‌ی آزاد باشد؛ در نتیجه، سیل عظیم ثبت شرکت‌های صوری در این مناطق روانه شده است. نبود شفافیت، عدم استقرار سامانه‌های

نظارتی و خلاءهای قانونی، فرار مالیاتی به این شیوه را تسری بخشیده است. برای مثال، تنها در سال ۱۳۹۵، در منطقه آزاد کیش بیش از ۲۸۰۰ شرکت با یک آدرس و یک کدپستی ثبت شده است.

مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده (VAT) از جمله مالیات‌های غیرمستقیم محسوب می‌گردد که مصرف‌کننده هنگام خرید کالا و یا خدمات موظف است به فروشنده پرداخت کند و فروشنده آن را به خزانه‌ی دولت انتقال دهد. مناطق آزاد شامل معافیت صد درصدی از مالیات بر ارزش افزوده است. این امر سبب عدم شفافیت زنجیره‌ی کالا و خدمات می‌شود. در نتیجه راه قاچاق را باز می‌کند و به واسطه‌ی آن، تولید را تخریب و بی‌عدالتی را گسترش می‌دهد.

در مصوبه‌ی جدید مجلس یازدهم، درباره لایحه بودجه ۱۴۰۰، معافیت مالیات بر ارزش افزوده‌ی مناطق آزاد حذف شده است. این امر در صورت وجود زیرساخت‌های لازم، می‌تواند قدمی مفید برای اصلاح مناطق آزاد محسوب گردد. به واسطه‌ی این مالیات، زنجیره‌ی کالا و خدمات شفاف می‌گردد و از سوی دیگر، بخشی از کسری بودجه‌ی دولت پوشش داده خواهد شد.

سد شکن امن در برابر امواج تورم

نگاهی کوتاه بر ضرورت افزایش منابع مالیاتی

ورودی ۹۷

مجتبی شهبازی

دبیر انجمن مستقل در دانشکده

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، سال‌ها هست که درآمدهای حاصله از منابع نفتی را به شدت مورد تاثیر خودش قرار داده و با توجه به اتکای بخش قابل توجهی از منابع عمومی بودجه هر ساله به این درآمدها و همچنین چالش‌هایی که در پی نوسانات شدید قیمت‌های نفتی با آن مواجه هستیم، ضرورت اخذ تصمیم‌های مناسب برای رسیدن کشور به درآمدهای پایدار را بیشتر احساس می‌کنیم. عمدتاً دولت‌ها به دلیل هزینه اقتصاد سیاسی کمتر، از طریق استقراض از بانک مرکزی این کسری بودجه را پوشش می‌دهند و این در حالی هست که تورم ناشی از افزایش پایه پولی و متعاقب آن نقدینگی، فشار بیشتری را بر طبقه‌های محروم جامعه وارد می‌کند.

یکی از این منابع درآمدهایی که لازم هست موکداً بهش توجه شود، افزایش درآمدهای مالیاتی می‌باشد که در صورت اجرای درست اصول آن، شاهد آثار ناخوشایندی همچون ایجاد تورم اقتصادی نخواهیم بود. مالیات در کشورهای توسعه‌یافته نه تنها از ابزارهای مهم تامین مالی دولت‌ها محسوب می‌شود، بلکه نقش مهمی را در راستای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی مدنظر کشورها ایفا می‌کند.





وضعیت درآمدهای مالیاتی

درآمدهای مالیاتی هر سال، بر اساس عملکردی که فعالان اقتصادی در سال گذشته داشته‌اند، محاسبه می‌شود و دو عامل متغیر تورم و رشد واقعی تولید ناخالص داخلی، بر افزایش این درآمدهای تاثیرگذار خواهد بود. به طور کلی، مالیات‌ها به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی شده است و در ادامه هم به برخی از تغییرات مهمی که در بودجه سال آتی برای مالیات‌های مستقیم (شامل مالیات بر درآمدها، مالیات بر ثروت و مالیات اشخاص حقوقی) اعمال شده، می‌پردازیم. طبق مصوبه قانون بودجه، فعالیت‌های مربوط به انتشارات کمک درسی و فعالیت‌های هنری از قبیل بازیگری، دارای درآمدی تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان معاف از پرداخت مالیات محسوب می‌شوند و بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم، اشخاصی با درآمد بیش از سقف تعیین شده مکلف به پرداخت مالیات هستند. همچنین معافیت مالیاتی موسسات کنکور دانشگاه‌ها نیز برداشته شد.

از این پس درآمدی که اینفلوئنسرهایی با بیش از ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده از محل تبلیغات دارند هم مشمول پرداخت مالیات می‌شود.

پزشکان و قضات نیز از پرداخت مالیات مستثنی نشدند و با توجه به لزوم استفاده از پایانه‌های فروشگاهی برای شفافیت درآمدها، باید ۱۰ درصد از حقوق خود را به عنوان مالیات در نظر بگیرند.

در بخش مالیات بر ثروت نیز برای خودروهای لوکسی که تا پایان سال ۱۴۰۰ ارزش آن‌ها به بیش از یک میلیارد تومان می‌رسد هم مالیاتی وضع شده است و در درآمدهای حاصله از مالیات بر واحدهای مسکونی خالی نیز از ۲۰۰ میلیارد تومان، با ۱۰ برابر افزایش، به ۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

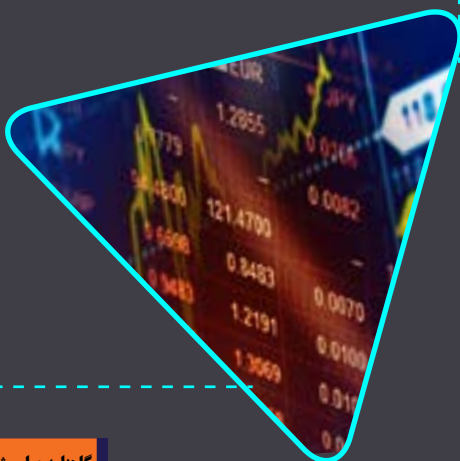
حقوق کارمندان دولتی تا سقف ۴ میلیون تومان، سرمایه‌گذاران مردمی در پروژه‌های زیربنایی و همچنین مشاغل آسیب‌دیده از کرونا نیز در سال آینده معاف از پرداخت مالیات هستند.

راهکارهایی برای افزایش منابع مالیاتی

سایر کشورها، به ندرت از معافیت‌های مالیاتی برای حمایت از فعالیت‌های متنوع استفاده می‌کنند و دلیلش هم این هست که معافیت‌های غیرهدفمند، منجر به کوشش گروه‌های مختلف برای معاف شدن از پرداخت مالیات و همچنین باعث عدم شفافیت در فعالیت‌های معاف‌شده می‌شود. در ایران نیز معافیت‌های مالیاتی گوناگونی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به معافیت سود سپرده‌های بانکی، صادرات برخی از مواد خام و نهادهای تولید و درآمدهای فعالان اقتصادی مناطق آزاد تجاری و ... اشاره نمود. بیشتر این معافیت‌های مالیاتی که همیشه‌گی، غیرمشروط و بدون هدف هست، نه تنها موجب کاهش بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ بلکه در عمل نیز باعث ناکارآمدی سیستم بازتوزیع درآمدی که یکی از اهداف نظام مالیاتی هم هست، محسوب می‌شود.

تعیین پایه‌های مالیاتی جدید نیز از عواملی هست که موجب افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود و از جمله پایه‌های مالیاتی مهمی که می‌تواند در جهت پوشش بیشتر این درآمدها و همچنین کاهش فاصله طبقاتی تاثیرگذار واقع شود، مالیات بر مجموع ثروت می‌باشد. در این پایه مالیاتی، به جای مالیات بر دارایی‌های جداگانه می‌توان به شناسایی دقیق تر دارایی‌های در اختیار هر فرد و مالیات‌ستانی عادلانه‌تر رسید. همچنین در بعضی از کشورها نیز علاوه بر مالیاتی که بر ثروت وضع می‌شود، مالیات بر دارایی‌های دیگر را نیز اخذ می‌کنند.

در صورت مقابله مناسب با پدیده فرار مالیاتی و همچنین لحاظ کردن پایه‌های جدید مالیاتی، کاهش معافیت‌ها و افزایش نرخ‌ها در احکام بودجه، می‌توانیم شاهد افزایش درآمدهای مالیاتی باشیم.



کارگران مشغول کارند!

بنابراین، این قشر که صنف و اتحادیه‌ی خاصی ندارند و هیچ نهاد رسمی آن‌ها را حمایت نمی‌کند، از این قانون متضرر می‌گردند. این قانون باعث ایجاد بازارهای غیررسمی می‌شود؛ زیرا وقتی کارفرما نمی‌تواند از پس حداقل دستمزد کارگران خود بر بیاید، آن‌ها ناچاراً به بازارهای غیررسمی روی می‌آورند که در آن نه بیمه و حق اعتراضی وجود دارد و نه نهادی که از حقوقشان دفاع کند.

در دیدگاه دوم، معتقدند که حداقل دستمزد از اخراج بلندمدت کارگران جلوگیری می‌کند؛ زیرا در صورت برابر بودن دستمزد، کارفرما تمایل به ادامه همکاری با کارگر با تجربه را دارد تا اینکه فرد جدیدی استخدام شود و از اول شروع به آموختن کند.

در این دیدگاه، افزایش حداقل دستمزد تاثیر چندانی روی بیکاری

اقتصاد در شرایط مختلف متفاوت است و ممکن است نتوان الگوی ثابتی برای اداره اقتصاد کشورها داد. پس اجازه دهید بی‌طرفانه ادعاهای فوق را به شکل خلاصه برایتان توضیح دهیم و در آخر به بیان پیشنهاد خود پردازیم.

در دیدگاه اول، معتقدند خاستگاه این قانون به تفکرات نژادپرستانه‌ی اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. به عبارتی، تدوین آن سبب کنار گذاشته شدن کارگران مهاجری شد که با درخواست دستمزد کمتر، کار را از مردم بومی آن منطقه می‌ربودند.

اما بزرگترین قربانیان این قانون، نه کارگران و نه کارفرمایانند، بلکه بیکارانی هستند که مهارت و سن کمتری داشته و در کارشان مبتدی‌اند؛ زیرا کارفرما ترجیح می‌دهد که حداقل دستمزد را به افراد دارای مهارت و سابقه‌ی بیشتر بدهد.

ورودی ۹۹

علی چمن‌آرا

عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

باز هم ماه‌های آخر سال فرا رسید و بحث حداقل دستمزد کارگران بالا گرفت. گروهی با اصل قضیه مخالفند و با توجه به شرایط کنونی کشور، تعیین حداقل دستمزد را پایمال کردن حقوق کارگران و دلیل افزایش بیکاری می‌دانند. گروه دیگر نیز، با افزایش حداقل دستمزد کارگران موافق و آن را هم‌جهت با رفاه آن‌ها و به‌نفع صنایع کشور می‌بینند.

اقتصاد یک علم تحلیلی است؛ همان‌گونه که گریگوری منکیو در اوایل کتاب کلیات اقتصاد به نقل از برنارد شاو می‌نویسد: «اگر تمامی اقتصاددانان در یک جا جمع شوند، هرگز به نتیجه‌ای مشترک نخواهند رسید.» زیرا

اما پیشنهاد ما

همگی موافقیم که شرایط فعلی قشر کارگر ما مناسب نیست و باید این اوضاع تغییر کند. اگرچه در اکثر کشورهای دنیا این قانون وجود دارد، اما درصد کمی از کارگران آن‌ها شامل این دستمزد حداقلی می‌شوند؛ دقیقاً برخلاف کشور ما. استفاده از بازار آزاد، راه‌حل گروه اول برای این مشکل است؛ اما آیا بازار آزاد در جمیع موارد پاسخگوست؟

دستمزد کمتر، شغلی که در آن مهارتی ندارند را انتخاب نکنند. در صورت عدم اجرای این قانون، وقتی سایر متغیرها، مانند قیمت مواد اولیه توسط تولیدکننده تعیین نمی‌شود و مقدار آن نسبتاً ثابت است، در زمان فشار اقتصادی، تنها متغیری که کارفرما می‌تواند آن را کاهش دهد، دستمزد کارگران است و بدین ترتیب آن‌ها باز هم متضرر می‌شوند.



ندارد؛ اگرچه کارفرما به دلیل وجود این قانون ممکن است کارگر کم‌مهارت را کنار بگذارد، اما از طرفی به دنبال استفاده از بهترین نیروهای کار است و این موضوع بهره‌وری را برای آن شرکت یا نهاد بالا می‌برد. این بهره‌وری باعث افزایش تقاضا و پویایی اقتصاد می‌شود و اثر بیکارشدن آن افراد را از بین می‌برد. از طرفی نیز، اجرای این قانون موجب می‌شود تا افراد به سمت کاری بروند که در آن مهارت لازم را دارند و صرفاً به دلیل گرفتن

به طوری که افراد آسیب‌دیده را شناسایی می‌کند و از آن‌ها حمایت مالی، روحی و همچنین بازآموزی و مهارت‌افزایی انجام می‌دهد تا بتوانند دوباره وارد بازار کار شوند.

شاید این پیشنهاد در نگاه اول برای دولت هزینه‌بر باشد، ولی در بلندمدت تاثیر انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور خواهد داشت.

در صنایع گوناگون و مناطق مختلف وارد مذاکره با یکدیگر شده و نهایتاً به یک عدد خاص می‌رسند؛ این عدد باید منافع دو طرف را تضمین کند زیرا در این حالت کارفرما نیز می‌تواند کارگری را که به آن احتیاجی ندارد، اخراج کند.

اما دولت بیکار نمی‌نشیند و چتر حمایتی آن برای افرادی که از این قانون آسیب دیده‌اند، باز می‌شود؛

فرض کنید یک انحصارگر در تعیین قیمت آزاد باشد، در این صورت او می‌تواند مردم را برای تأمین این کالا به دردسر بیندازد. شرایط نوآورانه‌ای که می‌تواند در کشور ما مناسب باشد، تلفیقی از این دو دیدگاه است؛ یعنی ما حداقل دستمزد خواهیم داشت، اما این توسط دولت تعیین نمی‌شود. بلکه اتحادیه‌ها، صنف‌های کارگری و کارفرما فعال می‌شوند و

کلام امام

پرداختن به حلّ مسائل اصلی اقتصاد [لازم است]. ما در کشور مسائل فراوانی در زمینه‌ی اقتصاد داریم؛ دانشگاه‌ها می‌توانند روی این‌ها کار کنند و [آن‌ها را] حل کنند. تربیت نیروی انسانی خلاق و مبتکر و متناسب با نیازهای امروز و کار علمی در مورد همین نظام بانکی و مسئله‌ی بودجه‌ریزی؛ این‌ها مشکلات ما است. ما الآن در زمینه‌ی بودجه‌ریزی واقعاً مشکل داریم. بنده هم، سفارش کرده‌ام، تأکید هم کرده‌ام، چهار ماه هم از اول سال فرصت دادیم که در این چهار ماه، نظام بودجه را اصلاح کنید؛ خوب نشده دیگر. گره علمی وجود دارد؛ این را باید دانشگاه‌ها حل کنند؛ در نظام بانکی ما هم همین جور است. ماه رمضان‌ها که من با دانشجو و استاد جلسه دارم، می‌آیند اینجا ساعت‌ها صحبت می‌کنند، نظرات بسیار خوبی را ابراز می‌کنند؛ نه فقط اساتید، حتّی دانشجویان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتری می‌آیند اینجا صحبت می‌کنند، حرف‌هایی می‌زنند که انسان استفاده می‌کند از این حرف‌ها؛ بنده واقعاً استفاده می‌کنم؛ صاحب‌نظرند، می‌توانند حل کنند؛ دستگاه‌های دولتی از این‌ها استفاده کنند، از این‌ها بخواهند و این‌ها هم اقدام کنند.

علی شام

۱۳۹۸/۰۸/۲۸